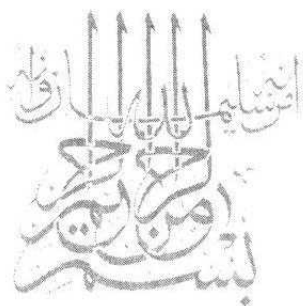


۲۱۸۹۳۳۸



تجلیات نظامی وکدی واکستری
در رویه قضایی

مجله

تجلیات و جهات نظامی وکدی واکستری
مجموع آثار نظامی وکدی واکستری

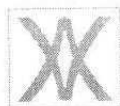
مجله تجلیات

مجله تجلیات وکدی واکستری

مجله تجلیات وکدی واکستری

سرشناسه	: باری، مجتبی، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: تخلفات انتظامی وکلای دادگستری در رویه قضایی (جلد دوم)، نویسنده دکتر مجتبی باری.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب آوا، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	: ۹۵۱ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۶۱۵-۹
وضعیت فهرست نویسی	: قیپا
موضوع	: وکلای دادگستری -- ایران
موضوع	: آیین دادرسی مدنی -- ایران -- مقررات کیفری
موضوع	: Civil procedure -- Iran -- Criminal provisions
رده‌بندی کنگره	: فساد قضایی -- قوانین و مقررات -- ایران
رده‌بندی دیوپی	: Judicial corruption -- Law and legislation -- Iran
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۵۲۳۲۳

تخلفات انتظامی وکلای دادگستری در رویه قضایی (جلد دوم)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

مؤلف:	دکتر مجتبی باری: ۰۹۱۲۱۵۹۸۹۰۹
ناشر:	کتاب آوا
چاپ و صحافی:	طیف نگار
نوبت چاپ:	اول - زمستان ۱۴۰۰
شمارگان:	۲۰۰ جلد
قیمت:	۱۸۵.۰۰۰ تومان
شابک جلد دوم:	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۶۱۵-۹ *
شابک دوره:	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۶۱۳-۵

نشانی مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن‌بست حقیقت، پلاک ۴، واحد ۴

www.avabook.com

Email: avabook_kazemi@yahoo.com

شماره‌های تماس: ۶۶۹۷۴۱۳۰ - ۶۶۴۰۷۹۹۳ - ۶۶۹۷۴۶۴۵ - ۶۶۴۶۱۱۵۸ - دورنگار: ۶۶۴۶۱۱۵۸

نشانی فروشگاه: اسلامشهر، خیابان میاد شیرازی، روبروی دانشگاه آزاد، جنب دادگستری

شماره تماس: ۵۶۳۵۴۶۵۱

کلیه حقوق و حق چاپ متن، کپی برداری، طرح روی جلد، و عنوان کتاب، با توجه به قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان برای انتشارات کتاب آوا محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب

فصل پنجم: اخذ پروانه در صورت عدم وجود شرایط لازم.....	۱۵
فصل ششم: عدم تحویل پروانه در موارد تعلیق.....	۲۵
فصل هفتم: وکالت با وجود سابقه قضایی.....	۲۹
مبحث اول: منظور از محل خدمت.....	۲۹
مبحث دوم: بازخرید شدن قاضی.....	۳۲
مبحث سوم: منتظر خدمت شدن قاضی.....	۳۴
مبحث چهارم: نحوه اعمال این محدودیت.....	۳۵
در خصوص قضات محاکم تجدیدنظر.....	۳۵
مبحث پنجم: نحوه اعمال مقررات این ماده در خصوص.....	۳۸
قضات شاغل در مراجع قضایی با صلاحیت قضایی کشوری.....	۳۸
مبحث ششم: مبدأ شروع ممنوعیت.....	۳۹
مبحث هفتم: تکلیف دادگاه‌ها در مواجهه با معذوریت.....	۴۲
مبحث هشتم: رویه قضایی.....	۴۳
فصل هشتم: رفتار خلاف شأن و شغل وکالت.....	۴۷
مبحث اول: اعمال منافعی شأن وکالت.....	۴۸
مبحث دوم: اشتغال به مشاغل منافعی شغل وکالت.....	۶۹۳
فصل نهم: عدم پی‌گیری کارهای معاضدت قضایی.....	۷۰۳
فصل دهم: عدم قبول اوراق کانون وکلای دادگستری.....	۷۰۹
فصل یازدهم: تجاهر به استعمال مسکر و افیون.....	۷۱۱
فصل دوازدهم: وکالت بدون تمدید پروانه.....	۷۱۵
مبحث اول: مبانی و مفاهیم تخلف.....	۷۱۵

۷۲۱	مبحث دوم: روبه قضایی
۷۲۵	فصل سیزدهم: تخلف از نظاماتی که کانون تعیین می کند
۷۲۷	مبحث اول: انجام امور وکالتی از
۷۲۷	سوی کارآموز بدون موافقت وکیل سرپرست
۷۳۲	مبحث دوم: عدم استفاده از فرم وکالت نامه مخصوص کارآموزان
۷۳۳	مبحث سوم: عدم استفاده از آرم کانون
۷۳۳	در سربرگ ها و لوگوی کانون و کلاء در لباس
۷۳۴	مبحث چهارم: عدم پذیرش کارآموز
۷۳۴	و عدم آموزش صحیح کارآموزان
۷۳۸	مبحث پنجم: اخذ وکالت بلاعزل از موکل
۷۳۸	مبحث ششم: تصدیق اوراق مربوط به دعاوی شخصی
۷۳۹	مبحث هفتم: درج عناوین غیرواقع در سربرگ ها و کارت ویزیت
۷۴۳	مبحث هشتم: عدم اظهار سمت های
۷۴۳	رسمی کانون و کلاء نزد مقامات قضایی
۷۴۴	مبحث نهم: عدم درج شماره تلفن و آدرس در
۷۴۴	وکالت نامه های تنظیمی و یا دادخواست ها و عرایض و لوایح
۷۴۵	مبحث دهم: عدم نگهداری پرونده های مختومه موکلین
۷۴۵	مبحث یازدهم: واگذاری وکالت نامه به اشخاص غیر وکیل
۷۴۶	مبحث دوازدهم: تخلف از تکالیف کارآموزی
۷۴۸	مبحث سیزدهم: روبه قضایی
۸۶۹	فصل چهاردهم: عدم رعایت حسن رفتار کارآموزان وکالت
۸۷۵	ضمایم
۸۷۶	قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (مصوب ۱۳۷۶/۰۱/۱۷)
۸۸۰	لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵)
۸۸۷	آیین نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴
۸۸۷	بخش اول - انتخاب هیات مدیره
۸۸۹	بخش دوم - انتخاب هیات رئیسه و عامله کانون و وظایف آن
۸۹۰	بخش سوم - پروانه وکالت و کارآموزی

۸۹۴	بخش چهارم - ترفیعات
۸۹۵	بخش پنجم - دادسرا و دادگاه انتظامی
۸۹۸	بخش ششم - تخلفات و مجازات آنها
	آئین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب
۹۰۳	(۱۳۹۸/۱۲/۲۸)
	دستورالعمل اجرایی تبصره ماده ۲۷ آئین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم
	توسعه موضوع رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا و کارشناسان قوه قضائیه و اعمال
۹۱۱	مجازات های انتظامی دادسرا و دادگاه انتظامی (مصوب ۱۳۸۶/۰۴/۲۴)
۹۱۵	رای وحدت رویه شماره هـ ۹۴۱/۸۴/ ۱۳۸۷/۱۲/۱۸
۹۱۵	هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۹۲۱	آراء هیئت عمومی دادگاه های انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز
	شیوه نامه اجرایی فصل دوم دستورالعمل شماره یک طرح جامع رفع اطلاله دادرسی
۹۴۲	مصوب ۱۳۸۴/۰۷/۳۰
۹۴۲	«تنظیم حدود اختیار وکلاء و کارشناسان در صلح و سازش»
۹۴۲	چهارشنبه ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶
۹۴۲	بخش اول: تعاریف
۹۴۲	بخش دوم: قواعد
۹۴۴	بخش سوم - نظارت و پشتیبانی
۹۴۵	فهرست منابع و مآخذ
۹۴۵	قوانین و آیین نامه ها
۹۴۶	کتاب
۹۴۸	مجلات و نشریات
۹۴۹	مقالات

مقدمه

امروزه نقش وکیل دادگستری در تحقق امنیت قضایی، امری است که همه نظام‌ها و سیستم‌های حقوقی بر آن صحنه گذاشته‌اند به طوری که می‌توان گفت بی‌تردید یکی از مبنای پایه‌های فکری عدالت کیفری حضور شایسته وکیل در دادرسی‌ها است. حفظ حقوق متهم، کمک به برقراری یک دادرسی عادلانه بر مبنای موازین حقوقی و نقشی که وکلاء در ارتقاء رشد حقوقی یک جامعه دارند از پیامدهای مورد توجه، در خور و شایسته به نهاد وکالت و تأثیر آن در برقراری عدالت است.

حق دفاع از جمله حقوق فطری است که بشر از دیرباز آن را شناخته و اجرای کامل عدالت را در هر محاصمه‌ای در گرو امکان استفاده طریقین دعا از امکانات دفاعی برابر، می‌دانسته و وکالت ابزاری بوده در جهت تحقق این هدف و تأمین یک دادرسی عادلانه که نهایتاً به ارضاء میل عدالت خواهی بشر منجر گردیده است.

وکالت دادگستری موجودیتی غیرقابل انکار در جامعه امروز است. جهان امروز این واقعیت را پذیرفته است که دیگر نمی‌توان به لزوم وکیل در یک جامعه مدنی تردید کرد.

تاریخ تمدن و سرنوشت تکامل اقوام و ملل نشان می‌دهد که مساعدت حقوقی به مردم و راهنمایی آنان در این زمینه در مواردی که اختلافات مالی یا خانوادگی پیدا می‌نمودند و همچنین دفاع از آن‌ها در مواردی که به نقض آداب و رسوم یا ارتکاب جرمی علیه اجتماع یا اشخاص متهم گردیده و تحت تعقیب قرار می‌گرفتند هم زمان با داوری و قضا یا به عرصه وجود گذاشته است. این امر را برای اشخاص و به نام آن‌هایی که توانایی لازم را در این خصوص نداشتند کسانی انجام می‌دادند که از سنن و عرف‌ها، قوانین و احکام آگاهی لازم داشته‌اند.^۱

۱. کاتبی، حسینقلی، وکالت در دنیای قدیم، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، سال نوزدهم (۱۳۶۶)، شماره ۱۰۵.

زیبنده‌ترین لفظی که می‌توان برای کار وکالت برگزید واژه هنر است؛ چون در یک بررسی دقیق این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که وکالت از کلیه مشاغل دیگر جداست و حالت و وضع خاصی دارد که با هنر سازگارتر از دیگر نمودهای زندگی انسان است. تمام روابط حقوقی مردم را طی فرمول‌ها و مواد قانونی نمی‌توان پیش‌بینی نمود، هر موردی هم که متن قانونی وجود داشته باشد به خودی خود حل اختلاف نمی‌نماید؛ بل که احتیاج به نظر یک نفر قاضی دارد و اوست که باید قانون را با حقیقت وفق دهد و هر جا یک قاضی باشد، وجود دو وکیل ضروری است.

قوانین عالم وجود وکیل را در دادگاه‌ها پذیرفته و حتی اساسی تشخیص داده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز وجود وکیل را به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق افراد با صراحت شناخته است. بدین ترتیب وکیل حق دارد در دادگاه حاضر شده از حقوق موکل خود دفاع کند مقدمات این دفاع چون تقدیم دادخواست‌های حقوقی و یا شکوائیه‌های جزایی و درخواست‌های مختلف به عنوان اذن در لوازم وکالت نیز مورد شناخت قرار گرفته و بدهات امر محلی برای شبهه ایجاد نمی‌کند.

پس از تصویب قانون تشکیلات عدلیه در مورخ ۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ به جز وکلای مجاز، هیچ‌کس نمی‌تواند در جلسات محاکم عدلیه به سمت وکالت مداخله نماید مگر به طور اتفاقی (سالی در سه دعوا) که این قانون طی بخشنامه‌ای به عموم محاکم مرکز از سوی وزارت عدلیه اعظم اعلام شد و فقط تا شهریور همان سال به محاکم فرصت داد که وکیل رسمی یا موقت که از سوی اصحاب دعوا محاکم معرفی می‌شود، بپذیرند و از آن تاریخ فقط اشخاصی را می‌توان به سمت وکالت در جلسه محاکمه مداخله داد که دارای جواز مخصوص باشند.

بسیار دیده شده است که لوائح و استدلال‌های متداعیین غیرحرفه‌ای اکثراً مفصل و دارای حشو زاید و غیر مستند به دلایل ضروری و پرونده این‌گونه افراد دارای نقص بسیاری است که علاوه بر تضییع حق خواهان، موجب گنجی یا زحمت و تطویل کار دادگاه و باعث نارضایتی مردم از دادگاه‌ها و قضات می‌گردد. از طرف دیگر قاضی نیز به دلیل آن که حق ندارد طرفین دعوا را، حتی اگر چه در دعوی ذی‌حق باشند، تلقین یا راهنمایی کند در مواردی که گذشت، امکان کمک و مساعدت ندارد ولو آن که عجز احد متداعیین را در بیان حق ببیند.

در جرایم که لزوماً دادستان یک طرف قضیه است و با ابزار حقوق و قانون و تجربه به مقابله با متهم که مجرمیت او معلوم نیست، می‌آید و دادگاه نیز به جهت رعایت بی‌طرفی حق کمک به متهم را ندارد، لزوم شرکت یک شخص با تجربه به وکالت از متهم ضرورت بیش‌تری دارد. زیرا متهم معمولاً در کار قضائی بی‌تجربه است و عدالت اقتضا می‌کند که از طرف متهم نیز یک

آشنای به قانون یا حق دفاع از وی حضور داشته باشد، به ویژه که این متهم است که اگر محکوم شود، مجازات می‌شود.

در مقابل وکلای دادگستری صاحبان حق هستند و بر طبق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق دفاع از امنیت و مصونیت شغلی خود را دارند. از سوی دیگر حرفه وکالت در همه کشورهای پیشرفته، پاسخ‌گوی یکی از مهم‌ترین نیازهای شهروندان یعنی دفاع از جان، مال، آزادی و حفظ حقوق مردم در دعاوی مدنی و کیفری است. به ویژه از هنگامی که حقوق مردم در کشورهایی چون انگلستان و آمریکا به رسمیت شناخته شد و نخستین اعلامیه تفصیلی حقوق بشر در اوت سال ۱۷۸۹ از سوی مجمع نمایندگان مردم فرانسه صادر گردید، دفاع موثر از این حقوق در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت و ضرورت حضور وکلای دادگستری را در دادرسی‌ها به نمایندگی از اصحاب دعوی و دفاع از حقوق متهمان در مرحله پی‌گردد و دادرسی روز به روز تقویت کرد. پشتیبانی از حقوق مردم به ویژه در مواردی که مقامات دولتی و دستگاه دادگستری در مقام تطویر به جان و مال و آزادی شهروندان برمی‌آیند مورد نیاز بیش‌تر دادرشان است و در این شرایط تنها وکلای دادگستری هستند که با داشتن استقلال و با تکیه بر دانش و تجربه و وجدان خود می‌توانند کمک مردم می‌شایند.^۱

حرفه‌ی وکالت جزء استثنایی‌ترین مشاغل آزاد است که تحت ضابطه‌ی دقیق قانونی قرار دارد. وکیل دادگستری باید از نظامات مربوط به حرفه وکالت کاملاً آگاه باشد تا بتواند به تمام معنی و به نحو مفید و شایسته به شغل وکالت ادامه دهد. وکلای دادگستری از قدیم الایام افتخار دارند که همواره برای تکمیل شرافت حرفه خود حداکثر کوشش را بنمایند. شغل وکالت را یک خدمت روحانی دانسته تا حد قهرمانی بر اعتبار آن افزوده‌اند و از این رو همیشه این افتخار را داشته‌اند که نه تنها مردانی آزاد باشند بل که آزادترین مردان بمانند و این کلمه آزادی که از زبان آن‌ها شنیده می‌شود معنی حقیقی خود را می‌رساند.

در خصوص مسئولیت وکیل دادگستری، کلیات شغل وکالت، مراجع انتظامی و آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی، پژوهش‌های مختلفی در قالب مقاله و پایان‌نامه و تحقیقات و گزارش‌های علمی انجام شده است. اما تاکنون کتابی جامع در رابطه با مسئولیت انتظامی وکیل دادگستری و نحوه رسیدگی به این تخلفات تألیف نشده تا وکلای محترم دادگستری با مراجعه به آن به مبهمات ذهنی خود پاسخ دهند و این است که ناخودآگاه درگیر تخلفات انتظامی

۱. کاشانی، دکتر سیدمحمد، (وکیل پایه یک دادگستری)، استقلال کانون وکلای دادگستری و دست آورد وکلای

می‌شوند. بنابراین به جهت اهمیت آثار و پیامدهای نگران‌کننده تخلفات وکیل دادگستری و تأثیرات مخربشان بر روند رسیدگی محاکم قضایی از یک سو و سلب اطمینان و اعتماد مردم از وکلاء از دیگر سو و همچنین بررسی جنبه‌های گوناگون تخلفات انتظامی و ضمانت اجرای آن ضروری به نظر رسید که نگارش اثر حاضر پاسخی مختصر به نیازی مبرم است.

از اولین سال انتشار کتاب نظارت انتظامی کانون وکلای دادگستری، حدود ۱۰ سال می‌گذرد، آن زمان که شروع به تدوین مجموعه حاضر نمودم آن چه مرا یاری نمود صرفاً یافته‌های علمی و غور در آثار و مقالات موجود و مطالعات حقوقی و صنفی بود که نهایتاً در این مجموعه گردآوری شد و تقدیم همکاران شریف و جامعه وکالت گردید و اتفاقاً به عنوان مجموعه‌ای کامل مورد استقبال قرار گرفت.

اما پس از آن و با استقلال کانون سرافراز البرز و شروع دومین دوره هیئت مدیره، حقیر توفیق خدمت در دادسرای انتظامی آن کانون را یافتم و در دوره بعد از آن نیز به عنوان قاضی شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلاء دادگستری البرز قبول خدمت نمودم، طی این دوران بر یافته‌های عملی‌ام آن چنان افزودم که در نگاهم به مسائل انتظامی تغییر شگرفی ایجاد شد، اما هر وقت تصمیم گرفتم متون این اثر را بر یافته‌های عملی درآمیزم، بیم تصویب «لایحه جامع وکالت» و بلا تکلیفی ناشی از چرخش این لایحه در بین همه نهاد دولت و مجلس و قوه قضاییه، شوق شروع به اصلاحات را از حقیر سلب می‌نمود تا این که خروج بررسی لایحه در دستور کار قرار گرفت تا شاهد بررسی و تغییر در قوانین پیشین وکالت باشیم.

بعد از توفیق خدمت در شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز و مجالست با یار دیرین و رفیق شفیقم جناب آقای آرش ذوالفقار (ریاست وقت آن شعبه) فرصت ممارست مجدد آنچه تاکنون فقط نوشته بودم، نصیبم گردید و باعث شد تا باری دیگر قوانین و مقررات خاص وکالت را بیاموزم و با استفاده از رهنمودهای مشفقانه و دلسوزانه این استاد ارجمند، خود را بیازمایم و با این توفیق شوق اصلاح اثر حاضر رو به تزیید گذاشت و باری تعالی توفیق را رفیق راه ساخت تا بتوانم آن چه قبلاً با شیوه علمی صرف گردآوری کرده بودم به سلاح عمل بیارایم و بار دیگر تقدیم جامعه وکالت نمایم، شکی نیست هیچ اثری را نمی‌توان خالی از عیب و نقص یافت، اما چشم امید به راهنمایی‌های مشفقانه همکاران و خوانندگان این اثر دوخته‌ام تا با انعکاس کاستی‌های مجموعه حاضر بنده را در اصلاح مجدد آن یاری رسانند.

دیرزمانی بود که مشتاق موافقت مسئولان کانون وکلای دادگستری البرز در انتشار آراء انتظامی صادره در مراجعه دادسرا و دادگاه انتظامی آن کانون محترم بودم که تا شروع دوره پنجم هیئت

مدیره آن چنان توفیقی نیافتم لکن با جلب اعتمادی که در این دوره حاصل گردید اعضاء محترم هیئت مدیره و خصوصاً ریاست محترم وقت استاد «دکتر حسین تقویضی» منت نهاده و موافقت خویش را در انتشار آراء صادره با حفظ محرمانگی اعلام و این جانب با همکاری نهادهای انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز نهایتاً موفق به تدوین این مجموعه گردیدم.

مجموعه حاضر نه تنها اصلاح و بروز رسانی مجموعه قبلی با نام «نظارت انتظامی بر رفتار قضات دادگستری» بود که با همه بیم و امیدهای موجود در ابتدای سال ۱۳۹۶ به زیور طبع آراسته و به جامعه حقوقی تقدیم گردیده است، بلکه علاوه بر بیان مقررات و آیین و تشریفات دادرسی به تبیین آراء انتظامی با عنوان «رویه قضایی» ذیل هر مبحث سعی در بیان مطلب و تفهیم مسائل برای نوآموزان وکالت گردیده است البته لازم است به این مهم نیز اشاره گردد که در قسمت بیان رویه قضایی آن چه آورده شده است الزاماً نظر نویسنده این اثر نیست و صرفاً به بیان متن رای پرداخته ولو آن که در عمل و نتیجه با صادر کننده رای هم عقیده نباشیم.

در مجموعه حاضر با وجود توفیق خدمت انتظامی در بدنه دادرسی و دادگاه انتظامی سعی شده است تا مفاهیم و مبانی صدور رای که در طول یک دهه، مبنای صدور رای قرار گرفته است تبیین گردد که خود می تواند راهگشای بکریل انتظامی در آن کانون و سایر کانونها باشد.

در این جا بر خود فرض می دانم از زحمات تمامی دادستانها، دادرسان، دادرسان و قضات شریف محاکم انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز که در طول یک دهه فعالیت در حوزه انتظامی خوش درخشیده و منشاء خیر و برکت در حفظ شئون وکالت بوده اند تشکر و قدردانی نموده و خود را همواره مدیون راهنمایی های استادانه این عزیزان می دانم و ترس آن دارم تا عزیزی را از قلم انداخته و حق مطلب را اداء ننمایم و گرنه حاضرم از تک تک این ارجمندان با ذکر نام قدردانی نمایم که وقت خود را فدای تعالی این کانون همیشه سرافراز نموده اند.

آن چه پیش رو دارید بیان رویه قضایی انتظامی است که حاصل قلم فرسایی قضات شریف مراجع انتظامی کانون وکلای دادگستری البرز از بدو تشکیل تا پایان سال ۱۳۹۸ است و یقین دارم آن چه از مطالعه این آراء حاصل خواهد شد، جز یقین به تدبیر مدیران این دوستان نخواهد بود، البته به جهت تلطیف مباحث قبل از ورود به هر عنوان تخلف، کوشیده ایم مقدمه ای در خصوص بیان مطلب و عنوان عنصر قانونی و مادی تخلف آورده و پس از آن به بررسی رویه قضایی انتظامی بپردازیم و سعی کرده ایم تا با جمع آوری آراء پرمغز و استدلالی در خصوص هر مبحث خواننده را به عمق مطلب آگاه سازیم هر چند در برخی آراء نظرات متفاوت و متهافت دیده می شود که البته به غنای مجموعه خواهد افزود، ولی ذکر این مطلب ضروری است که

استدلالاتی ذکر شده در متن آراء منتشر شده الزاماً عقیده نویسنده نیست چه بسا با برخی آراء از لحاظ نتیجه مخالفت‌هایی نیز وجود داشته باشد لکن هوده این نوع تدوین، آشنایی خواننده با رویه متفاوت و غالب انتظامی در این کانون وزین خواهد بود.

شکی نیست حفظ شرافت جامعه وکالت، بعنوان گوهر زرین این شغل، امید و آروزی همه دست اندرکاران محاکم انتظامی است و از دیرباز شنیده‌ایم که «حفظ حرمت امامزاده با متولی آن است»، اما متأسفانه وجود و ظهور وکیل نمایانی در این جامعه شریف، که به نام وکیل دادگستری، موفق به اخذ پروانه وکالت می‌شوند، بزرگترین مخاطره این شغل است که باید بدان توجه جدی نمود. مهمترین ویژگی قضات محاکم انتظامی نسبت به سایر قضات این است که از بین همکاران خود گزینش شده و برای آنان قضاوت می‌نمایند که البته نباید فراموش کرد که با درایت تمام در پی آنند که شرافت این شغل را حفظ نمایند. این ماییم که باید توجه داشته باشیم که مبادا روزی «شرافت» شغلمان «شر» و «آفت» انسانیت‌مان گردد و فراموش نکنیم که حکمت وزیدن باد، رقصاندن شاخه‌ها نیست، امتحان ریشه‌هاست.

والعاقبه للمتقين

مجتبی باری - زمستان ۹۹